

دو جستار پیرامون آشویتس

مترجم: دکتر ادورنو | هانا آرنت
مترجم: دکتر اسکندر - رضا اسکندری



سردانشمند آدورنو، تئودور دیلیو، ۱۹۶۹ - ۱۹۰۳، Adorno, Theodor W.
 عنوان و نام پدیدآور: دو جستار پیرامون آموزش آدورنو، هانا آرنت، مترجمان سید شاکر، رضا اسکندری
 مشخصات نشر: تهران: گهر نیک، ۱۳۹۳.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱۱۲-۲-۲-۳
 یادداشت: مقالات کتاب حاضر از نو کتاب "Auschwitz"، و "Can One Live after Auschwitz" نوشته آرنت و آدورنو، ترجمه شاکر.
 موضوع: ارتداد، لیبرال، آموزش
 موضوع: قتل، نام یهودیان، ۱۹۳۸-۱۹۴۵
 موضوع: فلسفه، آلمانی

شابک: آدورنو، آرنت، هانا، ۱۹۰۶ - ۱۹۷۵، Arendt, Hannah
 شابک: آدورنو، لیبرال، سید شاکر، ۱۳۹۳ - مترجم
 شابک: آدورنو، اسکندری، رضا، ۱۳۶۹ - مترجم

رده بندی: کتاب، ۱۳۹۳ D.A. ۵/۵۱۴ رده بندی دیویی: ۳۷۷۰۱۱ شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۰/۵۲۱۸

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Education after Auschwitz
Theodor Adorno
 و

Auschwitz on Trial
Hannah Arendt

انتشارات گهر نیک

دو جستار پیرامون آموزش

چاپ اول: ۱۳۹۳ تهران شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱۱۲-۲-۳ ISBN 978-600-917112-2

All Rights Reserved

کتاب، حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

فهرست

۴ آموزش پس از آشویتس (تئودور آدور)

۱۰ محاکمه ی آشویتس (هانا ارنت)

پیشینه نام

برابر آدورنو «نخستین ضرورت هر نوع آموزشی این است که آشویتس برقرار باشد»، برای آدورنو، آشویتس نه یک زمان/مکان که ساختاری از آن منتهی دکننده‌ای است که بربریت شرورانه‌ای را پر و بال می‌دهد. آشویتس برای آدورنو پرسازنده‌ی یک شخصیت است. «شخصیت آشویتس» که شورگانه با داستان قدرت هم‌داستان می‌شود، بربریت وحشیانه‌ی خود را با هر چه خشونت که در چتته‌ی انسانی‌اش یافت می‌شود بیرون می‌ریزد و هر زمان توده‌های آرایش‌یافته را در این خون‌بازی به یاری می‌گیرد. شخصیت آشویتس درد را در خود سرکوب می‌کند و به عقوبت این سرکوب خودآزارانه، دیگری را نیز به رنج مبتلا می‌سازد. آشویتس آدورنو را، خانه‌ی بزرگ هیملر یا هوس نیست؛ آشویتس آدورنو هر آن کجاست که «درد آشویتس»، بوگرها و کادوک‌ها و انکارکنندگان‌شان عنان و سبیل بی‌دست دارند و اندیشه‌ی منتقد یا سوزانده می‌شود، یا به تبعید می‌رود و پای پاول زده بر مرز نومیدی و شیدایی انتحار می‌کند، و این آشویتسی است که آدورنو امحاء آن را آرزو می‌کند.

برای آرنت اما آشویتس آن پدیده‌ای نیست که بتوان آن را فاعل یا بافتارش، زیست‌جهانش و ابتدال همه‌گیرش در نظر آورد. برای آرنت هم آشویتس «نه نامی خاص، که مفهومی است عام». آشویتس

بازنمودی است از میان‌مایگی و ابتذال. آرنت از میان پرونده‌ها و محاکمات دادگاه‌های فرانکفورت، از خلال اعترافات «پادوهای» آشویتس و شهادت‌های بازماندگان آن، نشان می‌دهد این میان‌مایگی و ابتذال چگونه از دستورالعمل‌های ماشین کشتار نازی و روایات پر آب و تاب آن فراتر می‌رود: «متهمی به نام بوگر وجود دارد که پسر بچه‌ای را در حال خوردن سیب توصیف می‌کند، که چگونه او را از پایش می‌گیرد و سر او را با کوبیدن به دیوار متلاشی می‌کند، و یک ساعت بعد، با آرامش خیال، سیب او را می‌خورد»؛ در حالی که «هیملر جایی گفته بود که دستورالعمل‌های صادر کرده است که زندانیان نباید مورد ضرب و شتم یا بی‌احسانانه کشتن شخصی قرار گیرند». برای آرنت آشویتس آنجاست که این مابین در ابتذال یک جهان وحشی موج‌سوارند، اذهان توده‌ها را عدالت می‌دهد و حاکمیت‌ها می‌آزارد. قاعده‌ی هراس حکم می‌راند، و بسیار دیگ‌های فرزندانش و چشم‌های خود را به نشانه‌ی انکار پوشانده‌اند. «این اتفاقی است که وقتی انسان‌ها می‌کشند جهان را بازگونه کنند رخ می‌دهد».

آشویتس، آن‌گونه که در این دو جستا تصور شده است، کارخانه‌ی مرگی نیست که خاکستر و مواد شیمیایی و تل‌تل‌هایش‌ها و عینک‌ها تولید کند. آشویتسی چنین به کار موزه‌گردان‌هایی می‌بخشد. فاجعه را در لنز دوربین انبوهه‌های گردشگر بازتولید می‌کنند یا سبوت‌مانی که آشویتس‌های خودشان را در پس بازنمایی‌های کودکانه‌ی سبوت‌مانی یا ایجابی‌شان پنهان می‌سازند. آشویتسی چنین، توده‌ی سبوت‌مانی عینک‌های منتسب به کشتگان انبوه «تولیدی» خود را بر چشمان می‌بازد. جهانی می‌ریزند که باور ندارد کابوس آشویتس امروز در هزار گوشه‌ی جهان، از غزه تا حمص، از کوچه‌های پیونگ‌یانگ تا خیابان‌های منهتن

تکرار شده است. و میان‌مایگان هراس‌آور و هراس‌زده‌ی این جهان مبتدل هنوز با خیال آسوده سیب‌های کودکان را گاز می‌زنند.

آشویتس، آن‌گونه که در این دو جستار تصویر شده است، مفهومی قومی یا نژادی نیست؛ مفهومی است که با تصویر سخیف «نژاد برتر» یا «قوم برگزیده» می‌ستیزد و چشمان ژرف‌اندیش خود را نه به گذشته‌ای پست‌برانگیز، که به آینده‌ای نامحتوم از بربریت دوخته است. چنین آینده‌ای قابل پیش‌بینی است، قابل پیش‌گیری است و قابل درمان. آنچه آشویتس در معنایی که آدورنو یا آرنست بدان می‌نگرند، به ما می‌آموزد، این نیست که شرارت ابتال است؛ نه دستنامه‌ای از راهبردهای هراس یا جنای آماری که بتوان دست‌های آلوده را با صفحاتش تمیز کرد. این آشویتس است آن‌گونه که باید شناخت.

انتشارات گهرشید
تابستان ۱۳۹۳

افزوده به پیشگفتار:

«تحقیقات علمی راجع به اتفاقات گاز و کوفته‌های آدورنو، آن‌هم آمار کشته‌های ملیونی یک دروغ بزرگ تاریخی است که به واسطه‌ی سیاسی توسط صهیونیست‌ها مطرح می‌شود و تلاش غرب در جهت ممانعت از آن است و پژوهش در این رابطه به ابهام‌ها در این زمینه افزوده است.»